

روایتی از حس و حال سوگواری اباعبدالله‌الحسین^(ع) در این روزها و شب‌ها

عطر امام حسین^(ع) هوای شهر و دل آدم‌ها را معطر می‌کند

محبوبه قربانی

صدای اذان مغرب ندادی آغاز ماهی را می‌داد که ماه عزاست. مادر لباس‌های مشکی را به رسم هر سال از ساکی که روی آن نوشته شده بود مخصوص محرم درمی‌آورد و هر لباس را به صاحبش می‌دهد تا زودتر آماده رفتن به هیئت شوند. سوار ماشین شدم و وقتی به خیابان رفتم، ازدحام جمعیت و خودرو زیاد بود ولی نه تنها کسی عصبانی و کلافه نمی‌شد بلکه به هم تعارف عبور از خیابان هم می‌کردند!زدیک هیئت شدم، انتظامات هیئت برادرانی بودند که خودروی عزاداران را با ظاهری متفاوت، بما لیختند و احترام رانمایی می‌کردند تا جای مناسبی خودروی شان را پارک کنند. احساس می‌کردم رایحه حب امام حسین(ع) در این روزها و شب‌ها هوای شهر و دل آدم‌ها را پاک، لطیف و معطر کرده است.

■ با جای روضه بیمه می‌شویم

ورودی هیئت با نوشته «اللهم ارزقنا شفاعه الحسین يوم الورود» آن هم با فونت درشت و رنگ سفید و قرمز دلم را تکان داد و اشک در چشمانم حلقه زد. کمی آن طرف‌تر برای پذیرایی از میهمان‌های اباعبدالله(ع) سقاخانه هیئت بود. از دست یکی از خادمان یک چای به حرما که رویش ارده و کنجد پاشیده بودند، گرفتم. مشغول خوردن بودم که دیدم زن جوانی در حالی که نوزادش را لباس سقا پوشانده بود، روی سسکویی نشسته و در حالی که اشک می‌ریخت و ذکر می‌گفت، با قطره چکان قطره‌ای از چسای هیئت را در دهان طفلش می‌ریخت. طاق‌ت نیاوردم. جلو رفتم و بعد از سلام گرمی علت کارش را پرسیدم، گفت: «این رسم خانوادگی ماست. مادران‌مان اصرار داشتند چای روضه را به طفل نوزادشان بدهند. می‌گویند آنها بیمه می‌شوند و عاشق دستگاه اهل‌بیت(ع)».

پیشانی طفل را بوسیدم و بعد از خداحافظی داخل حسینیه رفتم. روی راه پله‌ها خادمان با روی خوش در حالی که همه چوب‌پراهی سبز به دست داشتند، ایستاده بودند و به میهمان‌ها خوشامد می‌گفتند. داخل حسینیه شدم. دور تادور حسینیه با مخمل مشکی پوشانده شده بود. کنار دیوار‌های حسینیه صندلی چیده شده بود تا افراد مسن و کسانی که پادر دارند و عذری برای نشستن، روی آن بنشینند. خلاصه سعی شده بود همه شروط میهمان‌نوازی از میهمان‌ام امام حسین(ع) رعایت شود.

■ حسینیه کودکان

اتاقی در گوشه راست حسینیه بود که روی در اتاق نوشته شده بود «مهد نولگان حسینی». دو مربی که از خادمان هیئت بودند تا ۳۰ تا ۴۰ کودک به شرط سنی سه تا ۹سال در اتاق حضور داشتند. مربی یک برگه نقاشی با مضمون واقعه کربلا، حال و هوای هیئت‌ها و نذری‌ها به کودکان داده بود و آنها در حال رنگ آمیزی نقاشی‌ها بودند. تعدادی از کودکان هم دور مربی دیگری نشسته بودند و نگاه‌شان به صورت مربی و گوش‌شان به روایت‌ها و داستان‌های مربی بود.

یکی از مربی‌ها نزدیک شد و از او پرسیدم چرا از بین کارهای خادمان مربی‌بودن را انتخاب کردید؟ گفت: «از بچگی با مادرم به هیئت می‌رفتم. بچه‌ها کنار مادران‌شان می‌نشستند و خبری از مهد نبود. روزی در یکی از همان مجالس با دختری هم‌سن و سال خودم داشتم بازی می‌کردم که پیرزنی از سر و صدای‌مان عصبانی شد و اعتراض کرد. زن جوانی به آن پیرزن گفت باید جاذبه داشته باشیم، باید طوری رفتار کنیم که بچه‌ها دل‌تنگ امدن به هیئت شوند. بعد یک مداد و کاغذ داد و گفت بشین نقاشی بکش. انقدر

رفتار آن زن به دلم نشست که شب‌های دیگر بی‌تاب هیئت‌رفتن می‌شدم. این خاطره در ذهنم ماند تا وقتی به عنوان خادم برگزیده شدم. همان بار اول خواستم مربی مهد باشم تا هم کودکان بنا به ظرفیت‌شان از مجلس اهل‌بیت(ع) درس بگیرند و هم مادران‌شان به راحتی عزاداری کنند. مطمئتم همه آنها بین اشک‌های‌شان مرا هم دعا می‌کنند».

او از اقداماتی که در مهد انجام می‌شد، حرف زد و گفت: «البته کار مهد در هیئت باید با مهدهای دیگر فرق کند. سعی می‌کنیم قصه‌های کربلا را با زبان کودکان تعریف کنیم. بازی‌ها هم طوری است که خیلی سسر و صدا ندارد تا مزاحمتی برای مادران نباشد. نقاشی‌هایی که می‌بینید همه تصویری از وقایع عاشورا و کربلاست که حین رنگ‌آمیزی به کودکان درباره آن توضیحاتی داده می‌شود. مثلاً یک شب نقاشی‌های نذری دادن است تا بچه‌ها با فرهنگ نذری و فواید آن آشنا شوند».

■ برکات مجلس امام حسین(ع)

آن شب خیلی به عزاداری نرسیدم و بیشترین زمان در هیئت به گپ‌وگفت با خادمان و میهمان‌ها گذشت. از اینکه چرا بعد از ساعت‌ها کار روزانه، به جای استراحت یا تفریح با خانواده یا دوستان همگی زیر یک بیرق جمع و به عزاداری و گریه مشغول می‌شوند؟! اصلاً چرا برای امام حسین(ع) عزاداری می‌کنند؟ مگر چه نشانی و



دختر جوانی‌که از محبت‌های سخنان هیئت نکته‌برداری می‌کرد، گفت: «عزای امام حسین(ع) یک عزای معمولی نیست و پر از درس زندگی است. من در این دهه برای یک سال زندگی‌ام کلی درس اخلاق می‌گیرم. اول دهه یک دفترچه برمی‌دارم و هر مجلسی‌که می‌روم از سخنرانی‌ها و حتی نکات مداحی یادداشت برمی‌دارم و آن دفتر تا محرم سال بعد هم‌هم هست و هر از گاهی نگاهی به آن می‌اندازم».

اثری از پیام امام حسین(ع) و ارادت به ایشان و یاران‌شان در زندگی دیده‌اند؟ یکی از عزاداران زن میانسالی بود که می‌گفت: «به عنوان یک مادر احساس می‌کنم بزرگ‌ترین وظیفه‌ای که بر دوش دارم این است که فرزندانم را با سیره اهل‌بیت(ع) به خصوص امام حسین(ع) آشنا کنم».

دیگر مادری که در جمع عزاداران بود با تأیید این حرف گفت: «اصلاً بگذراید راحت بگویم از اینکه فرزندانم را با دستگاه اهل‌بیت(ع) آشنا کنم، به خصوص امام حسین(ع) و فرزندانش، آرامش دارم که به لطف خدا گزند از شیشه‌ها و بد اخلاقی‌ها به آنها نمی‌رسد».

مادری هم گفت: «تایید فرزندان را به زور به این مجالس آورد. باید طوری تربیت کنیم که خودشان با رضایت قلبی دل‌شان برای مجلس امام حسین(ع) پر بکشد».

دختر جوانی از بین عزاداران که داشت از صحبت‌های سخنان نکته‌برداری می‌کرد، گفت: «ما برای حسین(ع) عزاداریم، او همه هستی‌اش را در راه دین داد، پس باید دینی را که بر گردن ما دارند، ادا کنیم. این را هم بگویم که عزای امام حسین(ع) یک عزای معمولی نیست و پر از درس زندگی است. من در این دهه برای یک سال زندگی‌ام کلی درس اخلاق می‌گیرم. اول دهه یک دفترچه برمی‌دارم و هر مجلسی‌که می‌روم از سخنرانی‌ها و حتی نکات مداحی یادداشت

گزارشی از خانه‌های حسینی در منطقه ۱۴ تهران

روضه‌های خانگی ذکر مصائب اهل‌بیت^(ع) را ماندگار کرده‌است

خانه خود را میزبان روضه اهل‌بیت(ع) می‌کند. از او درباره دلیل برگزاری روضه خانگی در منزلش پرسیدم که پاسخ داد: «روضه خانگی بی‌ریاست و به همان اندازه اخلاص در آن زیاد است و اثرات معنوی زیادی دارد. خاطرم هست دوران جوانی وقتی در خانه هیئت داشتم، هر کسی دلخوری داشت، می‌گذاشت پشت در، چون قرار بود خادمی کند و این دو باهم نمی‌خواند. به خاطر امام حسین(ع) یک‌دیگر را می‌بخشیدند تا خادمی آنها قبول شود. در واقع توفیق خادمی خیلی برای همه مهم بود. برای همین ما هم در عالم قدس دنبال این بودیم خدمتی کنیم تا خادم حساب شویم، حتی به اندازه تعارف کردن قند یا دستمال کاغذی. این نگاه از بچگی در ذهن من مانده و دوست دارم همین را به فرزندانم منتقل کنم. متأسفانه امروز روضه‌های خانگی کمتر نگ شده‌است اما با قدرت رسانه باید دوباره آنها را احیا کرد، چون سنت بسیار خوبی است. اساساً روضه صرف اشک‌گرفتن نیست. بسیاری از خاصیت‌های دیگر دارد که از قضا عزاداری بخشی از آن خاصیت‌هاست».

وی در میان صحبت‌های خود اشاره‌ای به مؤسساتی داشت که برای برگزاری روضه خانگی، روضه‌خوان اعزام می‌کنند و هزینه‌ای در قبال آن نمی‌گیرند.

■ انتقال پرچم عزای به نسل‌های کوچک‌تر

مرضیه ۳۶ساله و صاحب دو فرزند است. سال‌هاست در خانه پدری او در شب‌های عاشورا نذر حلیم پخته می‌شود و به همراه آن همسایه‌ها جمع می‌شوند و مراسم برگزار می‌کنند. وی می‌گوید: «روضه خانگی خیلی تأثیر دارد. قطعاً من خودم با امام حسین(ع) در همین هیئت خانگی آشنا شدم. اول که بچه بودیم بازی می‌کردیم و نوای حسین حسین بزرگ‌ترا و سینه‌زنی آنها را می‌شنیدیم یا تلاش آنها را در طول روز می‌دیدیم که دیگ می‌آوردند و سبسط حلیم را به ما می‌کردند. ناخودآگاه ذکر حسین حسین زمزمه لب ما هم شد. بعد کمی بزرگ‌تر و در همین مجالس حاجت روا شدیم و گر‌ه‌های زندگی‌مان باز شد. این مجالس برای بچه‌ها خاص است و عاقبت‌بخیری دارد. بچه‌ها در این مجالس بازی می‌کنند و در عین حال یک کار کوچک انجام می‌دهند، مثل قند تعارف کردن یا جمع کردن استکان و بقیه دستان‌ها می‌کنند، مثلاً جمله‌هایی مثل اباعبدالله(ع) حافظت باشد، امام حسین(ع) حاجت دلت را بدهد یا بحق حضرت رقیه(س) موفق شوی. بچه‌ها اینگونه جذب می‌شوند».

راه جذب بچه‌ها همین مجالس است، پس بزرگ‌ترا باید سعه صدر و تحمل خود را بالا بزنند. ما در حال تربیت نسل‌ها هستیم. ما می‌خواهیم پرچم عزای به بچه‌ها بدهیم. گاهی یک پر خاش نسبت به بچه‌ها آنها را دلزده می‌کند. نکته دوم اینکه باید مجالس خانگی را ساده برگزار کنیم. تجملات و چشم و هم‌چشمی باعث کم‌رنگ‌شدن مجالس روضه خانگی می‌شود. هدف اصلی نباید گم شود. همان جای تلخ یا یک نان و پنیر هم کافی است و حتی یک جمعیت محدود هم در دستگاه امام حسین(ع) میزبانی حساب می‌شود، ان‌شاءالله».

نیره ساری
گره‌هایش امان همه را برید. همسایه‌ها آمدند سراغ علی(ع) و گفتند سلام ما را به فاطمه(س) برسان و بگو یا شب گریه کن یا روز. گریه شبانه‌روزی او آسایش ما را گرفته‌است. فاطمه(س) جز این گریه چه کار می‌توانست بکند در برابر غم‌ها و ظلم‌ها. فاطمه(س) هم جواب داد:

عمر من تمام شده، خیلی بین‌شان نمی‌مانم. بعد از آن روزها دست حسن(ع) و حسین(ع) را می‌گرفت و می‌رفت سر قبر رسول خدا(ص) و آنجا گریه می‌کرد. گاهی هم توی بقیع سر قبر شهدا. علی(ع) هم برایش ساییانی درست کرد تا فاطمه(س) کمتر اذیت شود، اسم آن ساییان از غم و حزن فاطمه(س) ماند و رویش: «بیت‌الاحزان». بعد از مدتی همین سر پناه هم از سوی دشمنان تخریب شد و حضرت زهرا(س)، دوباره به منزل برگشت و در خانه خود به اقامه عزای پرداخت.

■ ■ ■

در کنار این عزاداری خانگی شنیدیم که اولین عزاداران اباعبدالله‌الحسین(ع)، حضرت زینب(س) و امام سجاد(ع) بودند که نخستین مجالس را در مدینه به شکل همگانی برگزار کردند. در دوران بنی عباس هم با اینکه اجازه نمی‌دادند کسی مجالس عمومی برای اهل‌بیت(ع) برپا کند اما هر کسی از شاعران گرفته تا مداحان و روضه‌خوان‌ها وقتی به خانه امام صادق(ع) می‌آمدند، حضر بلافاصله می‌فرمودند: پر دهای بزیند و اقامه عزای کنید. بانوان حرم پشت پرده و آقایان طرف دیگری می‌نشستند و برای اهل‌بیت(ع) روضه می‌خواندند و گریه می‌کردند. همین روایات به خوبی می‌توانند نقش مهم روضه‌های خانگی در زنده نگه‌داشتن یاد اهل‌بیت(ع) حتی در دوران خفقان را نشان دهد. در واقع اگر روضه‌های خانگی در خلوت خانه‌ها به مدد خود اهل‌بیت(ع) نبود، شاید ماندگاری مصائب این بزرگان در دل تاریخ، سخت‌تر می‌شد.

در سال‌های اخیر شاهد برگزاری مجالسی هستیم که جمعیت حاضران را با کواد کوپتر نشان می‌دهد، هرچند چنین شوری افکار را داگرگون می‌کند و نشان می‌دهد بعد از هزار و ۴۰۰ سال هنوز هم نسل‌به‌نسل مصائب اهل‌بیت(ع) جای خود را دارد و پرچم عزای در دهه از پدربزرگ به پسران و نوه و نتیجه دست‌به‌دست می‌شود اما برخی در میان همه این فضاها با هم یک روضه خانگی را ترجیح می‌دهند. روضه‌های خانگی به رغم تمام سادگی‌ها، اثرگذاری و برکات زیادی به همراه دارند و اصلاً پایه و اساس شکل‌گیری بسیاری از اعتقادات مذهبی هستند. از حفظ و نشر محبت اهل‌بیت(ع) و فرهنگ عزاداری گرفته تا زمینه‌سازی برای پرورش نسلی حسینی که همه و همه از برکات روضه‌های خانگی زبانه به شمار می‌روند و می‌توانند نشانگر ضرورت احیای این روضه‌های بی‌ریا باشند.

میهمانان سیدالشهدا(ع) در روضه‌های خانگی یک اعتقاد و بانیان برگزاری مراسم هم دیدگاه خود را برای برگزاری مراسم دارند، البته که اینگونه مجالس در میان زنان



شهرت بیشتری دارد، چه بسا که یکی از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین وجهه‌های عزاداری سیدالشهدا(ع) از سوی زنان است. گزارش میدانی از بعضی از این مجالس روضه خانگی در منطقه ۱۴ (دارالمؤمنین شهر تهران) را می‌خوانید.

■ تربیت دینی نسل‌ها زیر پرچم سیدالشهدا(ع)

اکرم ۳۸ساله و دارای چهار فرزند از دو تا ۲۰ساله است. یک‌بار روز سوم محرم و یک‌بار هم دهه اول صفر به مدت سه روز روضه خانگی دارد.

با وی در میان روضه روز سوم محرم گفت‌وگوی کوتاهی داشتیم که گفت: «بچه‌ها در فضای فعلی جامعه چندان درگیر برگزاری مراسم عزاداری در خانه نیستند. روضه خانگی شور و حال دارد و به شدت بچه‌ها را درگیر می‌کند. بچه‌ها به صورت ملموس با مصائب اهل‌بیت(ع) آشنا می‌شوند. این خود یک روش تربیت دینی است. اینکه تعدادی بچه کنار هم با لباس عزای بازی کنند، شور و حال خاصی دارد و در عین حال